

## تحولات جهان عرب، الگوی تغییر نظام امنیتی در خاورمیانه (با تأکید بر مصر)

### آرش بیدالله‌خانی<sup>۱</sup>

**چکیده:** در چند سال اخیر شاهد تغییر و تحولاتی در خاورمیانه بوده‌ایم که برای هیچ‌کس قابل پیش‌بینی نبود. تحولات کشورهایی چون مصر، تونس، لیبی و... همه نتیجه به سر آمدن صبر مردم این کشورها و طغیان آن‌ها در برابر نظام‌های استبدادی است که توان حل مشکلات مردم را نداشتند. این تغییر و تحولات طی چند سال اخیر، منطقه را به کانون توجه دنیا تبدیل کرده است. مصر در این میان به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور عربی خاورمیانه و همین‌طور جایگاه استراتژیک و ژئوپلتیک که در خاورمیانه دارد، مرکز بیشترین تحلیل و توجه بوده است. هر تغییر و تحول سیاسی در مصر می‌تواند کشورهای منطقه از جمله ایران و همین‌طور قدرت‌های بزرگ مثل آمریکا و هم‌پیمانانش در منطقه از جمله رژیم صهیونیستی را متأثر کند. این مقاله نقطه اصلی تحلیل خود را مصر قرار داده و ضمن کندوکاوی در تحولات اخیر مصر، تأثیر و پیامدهای آن را بر نظم سیاسی، امنیتی محیط آینده خاورمیانه بررسی خواهد کرد. مقاله حاضر بر این امر تأکید می‌کند که مثلث ایران، ترکیه و مصر می‌تواند پایه‌گذار محیط امنیتی-سیاسی جدیدی در خاورمیانه باشد و نظم امنیتی جدیدی را جایگزین نظم قبلی کند.

واژگان کلیدی: خاورمیانه، مصر، محیط امنیتی، ایران، ترکیه، آمریکا.

۱. آقای آرش بیدالله‌خانی، دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

## مقدمه

جنبش‌های جهان عرب که از اواخر سال ۲۰۱۰ آغاز شد، مفروضات بسیاری را در مورد خاورمیانه، نظم و امنیت منطقه‌ای زیر سؤال برد. قدرت جنبش اعتراضی مردم که از تونس شروع شد به سرعت به دیگر کشورهای خاورمیانه از جمله یمن، مصر، لیبی، بحرین، سوریه و... سرایت کرده است. تا قبل از به راه افتادن این جنبش‌های اعتراضی، سیاست کشورهای خاورمیانه بیشتر از سایر مناطق دنیا به جاه‌طلبی‌های رهبران آن بستگی داشت، چرا که تا قبل از این رهبران کشورهای خاورمیانه را نهادهای سیاسی داخلی یا افکار عمومی محدود نمی‌ساختند. اما با شروع انقلاب‌های جهان عرب ساختار قدرت در این کشورها شروع به تغییر کرده و افکار عمومی سرکوب شده راه خود را پیدا کردند. معادله قدرت در بسیاری از کشورها از جمله تونس، مصر، لیبی، بحرین، سوریه و... دگرگون شده است و مردم خواهان احیای حقوق از دست رفته خود می‌باشند. با وجود این که معادله قدرت در بسیاری از این کشورها دگرگون شده است، اما در حال حاضر تعادل منطقی در کانون قدرت یافت نشده و نظام‌های سیاسی از هم پاشیده و ساختار اجتماعی، سیاسی و امنیتی جدیدی بر پا نشده است. رسیدن به نقطه تعادل بازگشت به آرامش در این کشورها سیر زمانی مختلفی را طی خواهد کرد. در حال حاضر تحولات خاورمیانه باعث بر هم خوردن نظم امنیتی این منطقه و محیط امنیت داخلی کشورهای این منطقه شده است و به سمت محدود شدن دخالت عامل خارجی در این منطقه پیش می‌رود (www.stimson.org).

این وضعیت به عدم قطعیت در مورد تبیین مسائل امنیتی آینده در محیط امنیتی داخلی و خارجی در این منطقه و برای بازیگران بین‌المللی بزرگ منجر شده است. تا قبل از این تحولات، مدل‌های امنیتی-سیاسی خاورمیانه براساس تصمیم پادشاهان و افراد دیکتاتور بود و دستگاه‌های امنیتی مسئول اصلی تبیین‌سازی برای منطقه براساس منافع دیکتاتورها و غرب بودند. این الگوی تبیین نظم سیاسی و امنیتی خاورمیانه که براساس تصمیم عده قلیلی از افراد و براساس حفظ وضع موجود و منافع قدرت‌های خارجی در منطقه بود بعد از این تحولات دگرگون شده است. کاخ سفید، اولین سنگ بنای این تغییر را در عراق و با اشغال آن آغاز کرد. اشغال عراق توسط آمریکا و سرنگونی صدام حسین اولین خانه این پازل بود. گرفتار شدن ایالات متحده در مسائل عراق و روی آوردن بیشتر به دیکتاتورهای منطقه برای تبیین نظم امنیتی، در واقع ترجیح ثبات در برابر دموکراتیزاسیون در منطقه به نحوی چشمگیر منافع آمریکا را به جای همسویی با مردم، هم‌ردیف با منافع رژیم‌های خاورمیانه قرار داد (بنساحل و بایمن، ۱۳۸۶: ۶۴).

گرفتار شدن در عراق و ناکامی‌های مختلف آن در افغانستان این کشور و هم‌پیمانان آن را به این نتیجه رساند که برای عبور از مشکلات باید نظم امنیتی و سیاسی موجود در منطقه حفظ شود. اما در واقع اوضاع برخلاف آن‌ها پیش رفت و خودسوزی جوان تونس به مثابه فندکی بود که فیتیله آتش‌زای اعتراضات مردمی در جهان عرب را روشن کرد. موج این اعتراضات به مرور زمان بر منافع کشورهای غربی و شرقی سایه افکنده است و هر کس براساس سیر منافع خود سعی می‌کند به نحوی این جریان‌ها را تحلیل کند.

بدون شک این تحولات سیر نظم سیاسی و امنیتی خاورمیانه را در سال‌های آینده دگرگون خواهد کرد، چرا که با رویش دموکراسی در خاورمیانه و کنار رفتن نظام‌های سیاسی شخصی، اقتدارگرا و قبیله‌ای، الگوی نظم سیاسی و امنیتی در خاورمیانه تغییر می‌کند. بر همین اساس، مقاله حاضر سعی خواهد کرد با نگاهی توصیفی-تحلیلی ضمن گذری کوتاه بر تحولات کشورهای عربی خاورمیانه، نقطه اصلی تحلیل خود را تحولات مصر و تأثیر آن بر آینده محیط امنیتی سیاسی خاورمیانه قرار دهد. در این بین با توجه به موج جنبش‌های اعتراضی، به نقش ایران در این تحولات و نقش آفرینی در آن می‌پردازیم. سؤال اصلی مقاله این است که در آینده قابل پیش‌بینی، دورنمای نظم امنیتی-سیاسی در خاورمیانه چه خواهد بود؟ در جواب این سؤال مفروض اساسی مقاله حاضر این است که با فروپاشی دولت‌های تحت حمایت غرب که یکی از مهم‌ترین آن‌ها مصر است، علاوه بر این که از دخالت دولت‌های بزرگ در امور این منطقه کاسته می‌شود و حرکت به سمت دموکراسی‌خواهی و مردم‌سالاری شتاب می‌گیرد، محیط امنیتی خاورمیانه نیز توسط خود کشورهای خاورمیانه و براساس الگوی بومی طراحی و جایگزین نظم پیشین می‌شود. در این میان مثلث اتحاد ایران، مصر و ترکیه می‌تواند پایه‌گذار نظامی نوین در منطقه خاورمیانه باشد.

## جهان عرب و بحران‌های تاریخی عمیق - عوامل شتاب‌دهنده و تسریع‌کننده جنبش‌های اخیر

ویژگی‌های دینی، مذهبی، جمعیتی، سرزمینی، نظامی و منابع طبیعی ارزشمند خاورمیانه، در درازای تاریخ پای قدرت‌های خارجی را به این منطقه کشانده است. دولت‌های غربی طبق تعریفی که از نیازهای خود داشتند، صدها سال در این منطقه به تاخت‌وتاز پرداختند (دهشیار، ۱۳۹۰: ۴). جهان اسلام به‌طور عام و جهان عرب به‌طور خاص در دو قرن اخیر، شاهد یک بحران اساسی در درون خود بوده است. این بحران‌ها

با شروع انحطاط امپراطوری عثمانی آغاز و با گذر از عصر دولت‌مملت‌های اسلامی وارد عصر پست‌مدرن شده و همچنان در حال بازتولید شدن است. با نظر به ورود مدرنیته و اندیشه‌های آن و گذار به عصر پست‌مدرن، تضاد فکری جهان عرب و مسلمانان با اندیشه‌های جدید که از صافی بومی‌شدن عبور نکرده بود، شروع شد (Adib-Moghaddam, 2011). در واقع جنبش‌های اعتراضی در حال حاضر نوعی بازخورد به همان بحران و حاکمان برآمده از همان اندیشه‌ها هستند که نظم سیاسی و امنیتی آن‌ها هم با مردم بیگانه بود. جهان عرب بعد از سال‌ها حکومت دیکتاتوری، برای پاسخ به بحران‌های عظیم فکری، اولین قدم را از اعتراض به محیط استبدادی شروع کرد. کشورهای عرب کنونی در فاصله دو جنگ جهانی شکل گرفتند و به‌رغم این که به ظاهر دولت‌های مدرنی می‌باشند، در واقع در ایجاد دولت-ملت‌های مستحکم به سبک اروپایی پساوستفالیا ناموفق بوده‌اند. در نتیجه بسیاری از بحران‌هایی که اصولاً می‌باید در دوره استقلال رفع می‌شد و به ظاهر نیز رفع شده بود، همچنان این دولت‌ها و رژیم‌های حاکم بر آن‌ها را تهدید می‌کند (دهشیار، ۱۳۹۰: ۹-۵).

زمینه حرکت‌های اعتراضی و بنیادین در جهان عرب را در واقع باید در دو دسته عوامل تاریخی و عوامل تسریع‌کننده دانست. عوامل تاریخی را می‌توان در مجموعه‌ای از پارادوکس‌های حل‌نشده و متراکمی دانست که همواره با دولت مدرن عرب همراه بوده است و زمینه ریزش مشروعیت آن را فراهم کرده است. تضادهایی چون تضاد اسلام‌گرایی و سکولاریسم، ملی‌گرایی میهن‌پرستانه و قومیت‌گرایی امت‌محور، ناسیونالیسم عربی و اسلام‌گرایی و سلطانیسم (رژیم اقتدارگرا) و دموکراسی و نیز ناتوانی در اولویت‌دهی بلندمدت به یکی از مؤلفه‌های توسعه یا امنیت، استقلال یا آزادی و استقلال نسبی و یا وابستگی مطلق، جملگی مجموعه‌ای از تضادها و تناقضات را به نظم نوظهور عربی پس از جنگ جهانی اول تا دوره کنونی تحمیل کرده است. مجموعه این تضادها و عوامل تاریخی تا پیش از تحولات اخیر در جهان عرب به نظر می‌رسید مثلث بحرانی را برای جهان عرب به وجود آورده و دگرگونی‌های کنونی جهان عرب را با توجه به این مثلث بحرانی به نحو مفیدتری می‌توان مورد بررسی قرار داد (Faris and Husayn, 2011: 39). یک ضلع این مثلث فقدان دموکراسی حتی در نمونه‌های حداقلی آن در جهان عرب است. ضلع دوم وجود مداخله حداکثری قدرت‌های خارجی و پیامدهای داخلی و منطقه‌ای آن می‌باشد و ضلع سوم فقدان هرگونه افق روشن برای اصلاحات و دگرگونی‌های مثبت برای توده‌ها و نخبگان غیردولتی است. این مثلث بحران در کنار یکدیگر مجموعه‌ای از بحران‌های درونی و بیرونی را برای کشورهای عربی به وجود می‌آورد (معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک،

۱۳۹۰). همچنین شکست تاریخی اعراب در برابر رژیم صهیونیستی و مسئله فلسطین از دیگر عوامل تاریخی بود که روح جهان عرب را دچار سرخوردگی کرده بود. این عامل به خصوص برای کشور مصر که رهبر امت جهان عرب در جنگ با اسرائیل بوده و در جنگ با این رژیم شکست خورده و معاهده صلح سال ۱۹۷۹ را امضا کرد، روشن تر بود. از مواردی که می‌توان به عنوان عامل تسریع‌کننده این تحولات نام برد، فرو ریختن معادله‌ای است که طی دهه‌ها در کشورهای عربی حاکم بود. این معادله مبتنی بر ترس و وحشتی بود که رابطه مردم و نخبگان غیردولتی را با رژیم‌های امنیتی و پلیسی عرب تعریف می‌کرد. در قالب حاکم بودن این معادله هر چند نخبگان دست به فعالیت‌هایی می‌زدند، اما این فعالیت‌ها در همان سطح نخبگی باقی می‌ماند و توده‌های مردم عموماً دخالتی در آن نداشتند (El Shakry, 2011). در همین فضای حاکم بودن ترس و وحشت جرقه اعتراضات زده شد و بن‌علی دیکتاتور تونس سقوط کرد. جالب آن که از آغاز اعتراضات در ۶۰۰ کیلومتری جنوب پایتخت تونس تا سقوط بن‌علی دیکتاتور تنها ۲۷ روز فاصله وجود داشت و تظاهرات تنها در دو روز پایانی منتهی به سقوط بن‌علی به پایتخت این کشور رسید.

نکته مهم در این زمینه آن است که نیروهای امنیتی توانمند تونس و مصر که ابزار کنترل و وحشت‌افکنی در میان مردم و نخبگان مخالف بوده‌اند، نتوانستند تظاهرات را کنترل کنند، در نتیجه نظام به ارتش پناه برد. اما ارتش فاصله خود را با دیکتاتور حفظ کرد و در نهایت این مسئله به سقوط دیکتاتورهای مصر و تونس انجامید. این دگرگونی شتابان که حتی یک روز پیش از آغاز اعتراضات قابل تصور نبود الگویی به ملت‌های عرب داد که براساس آن ملت‌ها می‌توانند با وحدت و طرح مطالبات روشن در مقابل قدرتمندترین و پلیسی‌ترین رژیم‌ها بایستند. ارمغان دگرگونی تونس و تأثیر آن، همان عامل تسریع‌کننده بود که با ایجاد خودباوری در میان توده‌ها و نخبگان مخالف عرب، امکان ایجاد تغییر را مطرح می‌سازد (حسینی‌فرد، ۱۳۹۰). ترکیب زمینه‌های تاریخی و تسریع‌کننده دو عاملی بود که باعث شد پایه‌های رژیم‌های عربی یکی پس از دیگری به لرزه در بیاید و دیکتاتورهای جهان عرب سرنگون شوند.

### بیداری اسلامی؛ بهار اعتراض در جهان عرب

دگرگونی‌های خاورمیانه عربی که با تونس شروع شد و به سرعت الهام‌بخش مصر و دیگر کشورهای عربی شد هم اکنون نیز ادامه دارد و تأثیرات بنیادین این قیام‌ها در آینده نه چندان دور بیشتر مشخص خواهد شد. این جنبش‌ها بدون شک پیامدهای متعددی در

سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی خواهند داشت. بدیهی است، کشورهای عرب هم از نظر نوع قیام مردمی و هم از نظر نوع برخورد رژیم حاکم با معترضان با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. در حالی که قیام مردم تونس و مصر با توجه به ابعاد اعتراضات داخلی خیلی سریع نتیجه داد و منجر به سقوط حاکمان مستبد شد، در لیبی و سوریه و بحرین اوضاع متفاوت پیش می‌رود. کشور بحرین از سال ۲۰۱۱ یکی از حوزه‌های اصلی اعتراضات و قیام‌های مردمی در مقابل حکومت مطلقه قبیله‌ای در خاورمیانه بوده است. هر چند این اعتراضات نیز با تحولات تونس و مصر آغاز شد، اما نارضایتی‌ها و اعتراضات در بحرین ریشه‌ای دیرینه دارد و به گسترش شکاف حکومت و جامعه مربوط است (Ottaway and Hamzawty, 2011: 1-4). تبعیض گسترده علیه شیعیان، محدودیت‌های سیاسی و مشکلات اقتصادی و اجتماعی، ریشه‌های اصلی قیام مردمی در بحرین است که به بحران کنونی منجر شده است.

هر تحولی در بحرین که منجر به سقوط خاندان آل خلیفه شود، منافع آمریکا را در منطقه به خطر انداخته و ساختار نظم امنیتی منطقه خلیج فارس را تغییر خواهد داد. همچنین با توجه به نقش تاریخی ایران در بحرین در صورت به قدرت رسیدن مخالفان، بدون شک ایران یکی از برندگان اصلی بازی خواهد بود که چشم‌انداز نظم امنیتی و سیاسی مطلوب خود را در منطقه می‌تواند پیاده کند (معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، گزارش راهبردی، فروردین ۱۳۹۰). به قدرت رسیدن مخالفان و سرنگونی رژیم آل خلیفه که از تمام ابزارها برای سرکوب استفاده می‌کند، به احتمال زیاد منجر به نزدیک شدن بیشتر بحرین به ایران و تجدیدنظر در خصوص واگذاری خاک خود به پایگاه‌های نیروی دریایی آمریکا خواهد شد که در بلندمدت چشم‌انداز امنیت در خاورمیانه را تغییر خواهد داد (حمیدی، ۱۳۹۰: ۴۹-۴۷).

در مورد لیبی نیز اوضاع متفاوت است. معمر قذافی حدود ۴۲ سال بر این کشور حکم راند. وی طی چهار دهه گذشته جلوی هرگونه اصلاحات برآمده از مطالبات مردمی ایستاد و تنها ابزارش سرکوب، ترور، زندان و اعدام بود. لذا لیبیایی‌ها امیدی به دگرگونی و اصلاحات نداشتند. در واقع قذافی در سال‌های اخیر در تلاش بود با مطرح ساختن چهره‌ای اصلاح‌طلبانه از فرزندش سیف‌الاسلام امید به آینده و نیز امکان جانشینی وی را مهیا سازد. قذافی در دوران زمامداری خود سیاست خارجی نامتعادل و ماجراجویانه‌ای داشت. در طول دهه‌های گذشته سیاست خارجی لیبی یک نوع حکومت مبتنی بر عدم تعادل و توازن و دادن شعارهای حداکثری و مبتنی بر انقلابی‌گری و دخالت در سراسر دنیا و رویارویی با نظام قدرت بین‌المللی بوده است. این افراط در نهایت در دهه‌های اخیر به تفریط منتهی شد و قذافی در یک چرخش ناگهانی در ازای استمرار وضعیت

موجود، با نظام قدرت بین‌المللی و غرب به توافق رسید و تسلیحات کشتار جمعی خود را تقدیم کرد (معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، گزارش راهبردی، فروردین ۱۳۹۰). در حال حاضر با توجه به پیروزی مخالفین با کمک ناتو و گرفتن شهر طرابلس و فروپاشی رژیم قذافی، به نظر می‌رسد تحولات لیبی و تأثیرات سیاسی و امنیتی آن به سمت و سوی منافع غرب پیش می‌رود. چرا که غربی‌ها و ناتو به مخالفان در فروپاشی رژیم قذافی و رسیدن به طرابلس کمک کردند (Friedman, 2011). در حال حاضر نیز چشم‌انداز روشنی از ثبات و آرامش سیاسی در لیبی وجود ندارد و به نظر می‌رسد برای مدتی بی‌ثباتی در لیبی منافع غرب را بهتر تأمین می‌کند.

اما در سوریه باید تحولات را از زوایای عمیق‌تری بررسی کرد. حیات و یا مرگ حکومت بشار اسد در زمان کنونی باعث بر هم خوردن بسیاری از معادلات در منطقه خاورمیانه خواهد شد. درباره سوریه باید گفت که ماهیت تظاهرات در این کشور از حرکت عمومی در جهان عرب نمی‌تواند جدا باشد. بشار اسد بعد از پدرش حافظ اسد زمام حکومت کشور را به دست گرفت. مردم از زمان حافظ اسد تا به حال شرایط غیرعادی و فوق‌العاده اداره کشور را تحمل کرده‌اند. چشم‌انداز تحولات سوریه برای هر کدام از کشورها و منافعشان متفاوت است. بر همین اساس، ایران، ترکیه، رژیم صهیونیستی و آمریکا هر کدام براساس منافع خاص و نگاه ویژه این تحولات را دنبال و تفسیر می‌کنند. رژیم بعث در بُعد داخلی رژیمی سرکوب‌گر بوده است. اما در بُعد خارجی توانسته است با یک ثبات نسبی در مرزهای سوریه و یک نقش متعادل‌کننده در معادلات منطقه‌ای، پیشینه خوبی از خود بر جای بگذارد (علایی، ۱۳۹۰). بنابراین، تحول در سوریه هم برای ایران و هم برای آمریکا و متحدانش مهم می‌باشد. آمریکا در ابتدای امر و شروع اعتراضات در سوریه از طریق وزیر خارجه خود اعلام کرد که بشار اسد فردی اصلاح‌طلب و به دنبال اصلاحاتی در داخل سوریه است. اما با بدتر شدن اوضاع به دلیل ورود رقبای عرب سوریه به میدان و تسلیح مخالفان توسط قطر و عربستان و فشار به مخالفان و وسیع‌تر شدن سرکوب و کشتارها، آمریکا و متحدانش به بشار اسد برای کناره‌گیری فشار می‌آورند و قطعنامه‌هایی در این زمینه در سازمان ملل تصویب شده است. همچنین، برخی از کشورهای عربی شورای همکاری خلیج فارس برای کناره‌گیری اسد به فشار روی آورده‌اند. در این بین تحولات سوریه باعث تضاد منافع بین ایران و ترکیه شده است، به طوری که ایران به دلیل محور مقاومت از سوریه حمایت می‌کند و ترکیه نیز با پناه دادن به مخالفان سوریه، برکناری بشار اسد را هدف سیاست خارجی خود قرار داده است (اسدی، ۱۳۹۰).

در سیاست خارجی آمریکا آنچه نسبت به سوریه و تحولات مربوط به اوضاع داخلی این کشور قابل مشاهده است، حضور بازیگران متعدد منطقه‌ای و نقش‌های متفاوت دوستان آمریکا می‌باشد. در این میان چند بازیگر برجسته و عمده وجود دارند. رژیم صهیونیستی بازیگری است که نقش سکوت را ایفا می‌کند، هر چند که بحث‌های داخلی در اسرائیل نگرانی از به هم ریختگی در سوریه را نشان می‌دهد. همچنین به نظر می‌رسد عربستان در تحولات منطقه و سوریه نقش تأمین‌کننده مالی را برعهده دارد که به هر نحوی علیه ایران و جدا کردن سوریه از ایران تلاش می‌کند. نقش تبلیغاتی به عهده قطر گذاشته شده و پوشش الجزیره در مورد تحولات سوریه در مقایسه با دیگر کشورها برجسته‌تر و تحریک‌آمیزتر است. اما شاید مهم‌ترین نقش، نقش دیپلماتیک باشد که به ترکیه واگذار شده است. میان آمریکا و ترکیه درباره مسئله سوریه هماهنگی وجود دارد و این هماهنگی نشان‌دهنده نقش سیاسی، دیپلماتیک و هماهنگ‌کنندگی خاصی است که آنکارا در مورد تحولات مربوط به سوریه بر عهده گرفته است (سجادپور، ۱۳۹۰).

در مورد چشم‌انداز امنیت و نظم سیاسی در خاورمیانه، در برخورد با سوریه به دیدگاه‌های متضادی می‌رسیم. در واقع الگوی این نظم در صورت فروپاشی سوریه به احتمال زیاد دگرگون خواهد شد و تعادل نیروهای منطقه‌ای بر هم خواهد خورد. زیرا سوریه برخلاف کشورهای دیگر مانند مصر، بحرین، لیبی و... که با غرب تا حدودی روابط خوبی داشتند در کنار ایران محور مقاومت در برابر رژیم اشغال‌گر قدس و حمایت‌کننده گروه‌های فلسطینی و لبنان بوده است و همیشه در قبال زیاده خواهی غرب در خاورمیانه مقاومت کرده است.

باتوجه به نکات فوق و تعدد بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در تحولات سوریه، نه تنها تحلیل و تبیین درست این تحولات را دشوار کرده است، بلکه پیش‌بینی نظم امنیتی و امنیت سیاسی در خاورمیانه را مشکل می‌کند. اما آنچه مسلم است، تحولات در این کشورها به‌گونه‌ای پیش می‌رود که ساختار امنیتی و سیاسی خاورمیانه چه در بُعد داخلی و چه در بُعد خارجی دگرگون می‌شود. بدون شک با حاکم شدن دموکراسی در این کشورها و روی کار آمدن حکومت‌های مردمی حصار امنیتی و وابستگی این کشورها به غرب شکسته خواهد شد و آن‌ها سعی خواهند کرد وارد همکاری‌های نوین منطقه‌ای شوند و استقلال خود را حفظ کنند. تاکنون رژیم‌های دیکتاتوری با ترس از فروپاشی قدرت‌شان از جنبه‌های مختلف به غرب وابسته بودند، اما حاکم شدن فضای افکار عمومی در این کشورها بدون شک امنیت سیاسی در خاورمیانه را بالا خواهد برد و به تبع آن چشم‌انداز امنیت منطقه‌ای در این بخش از الگویی غربی و سفارشی به الگویی



بومی و همکاری‌های منطقه‌ای تبدیل می‌شود و امنیت سیاسی دموکراتیک در این منطقه حفاظ امنیتی سیاسی را در جنبه‌های مختلف داخلی و خارجی بالا خواهد برد. در بخش بعدی به نقطه اصلی این نوشته یعنی مصر و تأثیر تحولات آن بر تغییر الگوی نظم امنیتی در خاورمیانه می‌پردازیم.

### انقلاب مصر - تغییر در معادلات منطقه‌ای

همان‌طور که گفته شد، در اوایل سال ۲۰۱۱، انقلاب‌های خاورمیانه در بعضی از کشورهای منطقه پدیدار شد. در نتیجه از میان تمام این موارد شاید بتوان گفت انقلاب مصر، به‌طور بالقوه به دو دلیل تأثیر بیشتری بر سیاست بین‌الملل بر جای گذاشت. اول به دلیل نقش مصر به‌عنوان یک متحد منطقه‌ای مهم برای آمریکا و دوم به دلیل روابط مصر و اسرائیل و مسئله کشمکش‌های اعراب و رژیم صهیونیستی. آغاز اعتراضات در مصر در ۲۵ ژانویه بود.

در صف مقدم معترضان افراد جوانی حضور داشتند که از جریانات سیاست داخلی و بین‌المللی آگاه بودند. معترضین مصری می‌خواستند مبارک به عنوان یک دیکتاتور ۳۰ ساله استعفا دهد و این اولین گام برای اصلاح مصر بود. با وجود فشارهای بین‌المللی پنهان از طرف آمریکا و اتحادیه اروپا برای کاربرد خشونت علیه معترضین، سرانجام سلیمان معاون رئیس جمهور اعلام کرد که مبارک استعفا داده و شورای عالی نیروهای مسلح کنترل کشور را به دست گرفته است.

برای آمریکا مصر تحت سلطه حسنی مبارک به نوعی نقش و تأثیری تعدیل‌کننده در منطقه خاورمیانه داشت. این تأثیر تعدیل‌کننده به‌مثابه یک نیروی ثبات‌بخش در منازعات اعراب و اسرائیل عمل می‌کرد. کاخ سفید از سال ۱۹۷۹ که پیمان صلح بین مصر و رژیم صهیونیستی بسته شد، به‌طور متوسط سالانه ۲ میلیارد دلار کمک‌های اقتصادی و نظامی به مصر اهدا می‌کند. آمریکا به دلیل تأمین منافع خود از موجودیت اسرائیل در خاورمیانه حمایت می‌کند و در این میان کشور مصر به‌عنوان متحد مهم آمریکا به‌طور ضمنی باعث تأمین منافع آن و حمایت از موجودیت اسرائیل شده است (Ikfal Raharjo, 2011). بر همین اساس انقلاب مصر به دلیل تأثیرات منطقه‌ای و بین‌المللی فوق‌العاده مهم است و در آینده باعث بر هم خوردن خیلی از معادلات امنیتی-سیاسی و تغییر الگوی نظم و امنیت سیاسی در خاورمیانه خواهد شد.

### جایگاه مصر در جهان عرب

مصر همواره پیشرو در بسیاری از تحولات جهان عرب بوده است. این کشور نخستین کشور عربی بود که وارد فرایند نوسازی شد. در برخورد اسلام و مدرنیته و نحوه پاسخ‌گویی به چالش‌های مدرنیته، روشنفکران مصر از متفکران پیشرو بودند. در مصر سنت اقتدارگرایی فردی، یک سنت دیرین و جا افتاده است و بر این اساس فردی که در رأس قرار دارد، اصلی‌ترین تصمیم‌گیرنده محسوب می‌شود. این سنت حداقل از زمان ناصر به این سو سنت رایج بوده است (قهرمان‌پور، ۱۳۸۶: ۳۳). اما انقلاب مصر این رویکرد را دگرگون کرد. جایگاه ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک مصر در خاورمیانه باعث شد تا بعد از انقلاب جنبش‌های اعتراضی در کشورهای دیگر جهان عرب فراگیر شود.

البته در ارتباط با میزان اثرگذاری دگرگونی‌های مصر بر سایر کشورهای عربی، در مجموع دو نظر مطرح است: نخست نظری است که به راه افتادن دومینوی عربی را پیش‌بینی می‌کند. طبق این نظر، قرابت فرهنگی و اجتماعی و مشابهت‌های اوضاع سیاسی و اقتصادی سبب می‌شود تا تأثیرات دگرگونی‌های مصر باعث به راه افتادن جریانی در منطقه شود که در نهایت، تمامی نظام‌های کشورهای عربی را دگرگون کرده و یا حاکمان را وادار به اصلاحات اساسی کند. دیدگاه دوم بر این نظر است که الزامات ژئوپلیتیک مصر و خاورمیانه و گره خوردن استراتژی‌های کلان این منطقه با جامعه بین‌الملل و قدرت‌های فرامنطقه‌ای در نهایت اجازه وقوع تحولات بنیادین در مصر را نخواهد داد. در ارتباط با جایگاه مصر در جهان عرب، باید توجه داشت که مصر حدود یک چهارم جمعیت جهان عرب و حدود یک دهم از جغرافیای آن را دارا می‌باشد. مصر از جمله نخستین سرزمین‌های غیرعربی است که به فرهنگ عربی-اسلامی پیوست و از آن دوره یکی از اثرگذارترین و الهام‌بخش‌ترین سرزمین‌های اسلامی بوده است (معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، ۱۳۹۰).

در دوره معاصر نیز مصر همواره پیشگام تحولات جهان عرب بوده است. نهضت بیداری جهان عرب در آغاز قرن نوزدهم، از مصر آغاز شد و این سرزمین از آن دوره نقطه اصلی اندیشه‌ورزی و ورود اندیشه‌های نوین به جهان عرب بوده است. در قرن بیستم نیز مصر رهبر ملی‌گرایی در جهان عرب و پیشگام مبارزه جهان عرب با رژیم صهیونیستی بوده است؛ همچنان که پیشگام صلح با این رژیم شد.

مصر در دوره حسنی مبارک جایگاه مهمی در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا داشت و با سیاست‌ها و رفتارهای منطقه‌ای خود، در راستای منافع و اهداف آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه حرکت می‌کرد. روابطی متعادل و با ثبات با اسرائیل، رویارویی با

گروه‌های مقاومت فلسطینی و لبنانی و تقابل با بازیگران ضدغربی مانند جمهوری اسلامی ایران، از جمله رفتارهای مصر بود که آن را به بازیگری مهم برای آمریکا مبدل ساخت. قیام عمومی مردم مصر و کنارگذاشتن مبارک از رأس هرم قدرت سیاسی، تحولی غیرمنتظره در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا بود؛ مسئله‌ای که به چالش و ابهامی جدی در سیاست آمریکا در منطقه تبدیل شده است و سیاست‌مداران و تحلیل‌گران آمریکایی را برای مدیریت و کنترل بحران به تکاپو انداخته است (Zarpli, 2011).

### ویژگی‌ها و پیامدهای تحولات مصر

با توجه به جایگاه مهم مصر در منطقه، تحولات صورت گرفته در این کشور ویژگی‌ها و پیامدهای داخلی و خارجی داشته که می‌تواند علاوه بر تغییر رویکرد سیاست مصر نسبت به منطقه خاورمیانه، بر چشم‌انداز آینده نظم و همکاری در خاورمیانه و همین‌طور تغییر الگوی نظم امنیتی و سیاسی در خاورمیانه و ائتلاف با دیگر کشورها مؤثر باشد و چشم‌انداز همکاری‌ها در خاورمیانه را مثبت کند.

مصر با قدم گذاشتن به دموکراسی علاوه بر بالا بردن ضریب امنیت سیاسی خود در همان حال می‌تواند در ائتلاف با کشورهای مهم منطقه مثل ایران و ترکیه الگوی نظم امنیتی را تغییر دهد و یک الگوی مشترک توسط خود این کشورها طراحی شود چرا که مصر در زمان مبارک گرفتار معاهدات مختلفی با کشورهای غربی بود که به وی اجازه نمی‌داد یک الگوی نظم مطلوب منطقه‌ای را با دیگر کشورها طراحی کند.

هم‌اکنون پا گرفتن یک دموکراسی بومی در مصر علاوه بر بالا بردن امنیت سیاسی و وابستگی این نظام به مردم به همان سان می‌تواند موجب استقلال مصر در منطقه خاورمیانه شود. مهم‌ترین این ویژگی‌ها و پیامدها عبارتند از:

### الف) انقلاب ارتباطات و تحولات مصر

از عوامل موفقیت انقلاب مصر شبکه‌های مجازی از جمله فیس‌بوک بود. طراحی اعتراضات و تجمعات از طریق این شبکه مجازی به تشکیل جنبش جوانان ۶ آوریل منجر شد که نقش اصلی را در انقلاب مصر و فراخوان تجمعات داشتند. از ویژگی‌های مهم تحولات مصر، نقش‌آفرینی گروه‌ها و جریان‌های جدیدی مانند جنبش جوانان ۶ آوریل است که به خصوص در آغاز تحولات، بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. جریان جدید دو کار ویژه و ویژگی مهم داشته است، یکی این که این جریان مسائل اقتصادی مانند بیکاری و فقر را با ضدیت با استبداد، دموکراسی و حقوق بشر گره زده است و دیگر این که بستر این

جریان جدید، انقلاب چهارم یا انقلاب ارتباطات محسوب می‌شود. انقلاب اول تلفن و تلگراف، انقلاب دوم چاپ، انقلاب سوم ماهواره و انقلاب چهارم انقلاب وب (Web) یا ارتباطات است که مؤلفه‌های اصلی قدرت و ثروت در جهان معاصر را تغییر داده است (Sutter, 2011). در شرایط جدید، به عنوان نمونه موقعیت جغرافیایی دیگر معنا و مفهومی ندارد و با پدیده‌ای به نام مهاجرت مجازی روبه‌رو هستیم که مستقل از عوامل ساختاری عمل می‌کند. یکی دیگر از پیامدهای انقلاب چهارم برای تحولاتی مانند مصر، تغییر شکل سازماندهی و رهبری سنتی است. در شرایط جدید، دیگر نیازی به موقعیت جغرافیایی و مکان فیزیکی برای رهبری و شبکه‌سازی وجود ندارد. بر این اساس، سازمان‌های سنتی مانند اخوان المسلمین نتوانستند در آغاز تحولات نقش چندانی داشته باشند و تنها در مراحل بعدی که نیاز به ایده‌پردازی و مناظرات مربوط به نوع حکومت بود، بیشتر نقش‌آفرینی کردند (معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، ۱۳۹۰).

#### ب) روح و خواست جمعی در تحولات مصر

یکی از ویژگی‌های مهم تحولات مصر، حاکم بودن روحی جمعی با خواسته‌ای مشترک در اعتراضات و قیام مردمی بود. این تحولات نشان داد که اگر یک جمعیت ملی و جمعی از مردم، براساس علتی همگانی و خواستی مشترک و پیرامون یک موضوع هم‌گرا شده و حرکت نمایند، موفق خواهند بود. البته تأکید بر این حرکت و خواست جمعی، به مفهوم نادیده گرفتن علت‌های ساختاری مانند استبداد ۳۰ ساله به عنوان عامل اساسی نیست. با توجه به اجماع نظر عمومی در جامعه، ایجاد یک جرقه باعث آغاز حرکت و پیشرفت آن به جلو، با توجه به روح و خواست جمعی آن شد. بر این اساس است که عنوان می‌شود حتی اگر آن انقلاب چهارم نیز تأثیرگذار نبود، مانند مقطعی که مبارک اینترنت را قطع کرد، این جمعیت با خواست و انگیزه خود به پیش می‌رفت. بنابراین، انقلاب مصر ناشی از شکل‌گیری "روح جمعی" در جامعه مدنی بود (ikhwanweb.com, June 28, 2011).

#### ج) اصلاحات و دموکراتیک شدن نظام سیاسی

دموکراتیک شدن سیاست در خاورمیانه، علاوه بر دگرگونی‌های مستقیم تونس و مصر، پیامدهای مستقیم و غیرمستقیمی برای دیگر کشورهای خاورمیانه داشته است. رویکرد کشورهای عربی در قبال دگرگونی‌های اخیر، حاکی از وحشت این نظام‌ها می‌باشد. یک هفته پس از آغاز اعتراضات در مصر و در حالی که جهان به سمت پذیرش مصر بدون مبارک می‌رفت، رهبران عربستان، کویت، لیبی و فلسطین، حمایت خود را از بقای

مبارک، در تماس با وی اعلام کردند. بنا بر اخبار منتشر شده، ملک عبدالله پادشاه عربستان، در تماس با اوباما در ۲۸ ژانویه از وی خواسته است تا از مبارک رویگردان نشود و بیان کرده است که در صورت دست کشیدن غرب از مبارک و قطع کمک‌های مالی و نظامی آمریکا، عربستان به تأمین این کمک‌ها خواهد پرداخت. پس از سقوط مبارک، شاهد گسترش اعتراضات در چندین کشور عربی می‌باشیم. تأثیر تحولات اخیر خاورمیانه بر سایر کشورهای منطقه طبعاً به تغییر رویکرد داخلی و خارجی رژیم‌های حاکم نیز می‌انجامد. می‌توان گفت که بسیاری از رژیم‌های حاکم خاورمیانه، تنها دو گزینه در مقابل خود دارند: پیشبرد اصلاحات گسترده و یا مواجه شدن با معترضانی که جز به سقوط رأس هرم قدرت رضایت نمی‌دهند. بنابراین، این رژیم‌ها به نوعی با آخرین فرصت مواجهند و در صورت توقف حرکت به سمت اصلاحات سیاسی، با خطرات اساسی روبه‌رو خواهند شد (Ottaway and Hamzawy, 2011: 12).

طبعاً عقب‌گرد به نظام تک حزبی و دیکتاتوری گذشته در این دو کشور، با توجه به متغیرهای متعدد داخلی و خارجی، غیرممکن است. به علاوه آغاز موجی از اعتراضات در الجزایر، اردن، یمن، بحرین و... نشان می‌دهد که این موج خواهان آزادی‌های سیاسی و بسط دموکراسی، نمی‌تواند در مقابل وعده‌های رژیم‌های حاکم متوقف شود. رژیم‌های خاورمیانه‌ای نیز دریافته‌اند که تداوم شرایط کنونی، بدون انجام اصلاحات لازم، تقریباً غیرممکن است. طبعاً دگرگونی‌های اخیر خاورمیانه ثابت کرده است که حاکمیت‌های قبیله‌ای و جمهوری‌های وراثتی و مادام‌العمر، که پدیده‌ای منطقه‌ای محسوب می‌شود، قابل دوام نیست. حکومت وراثتی از پدر به پسر و یا بقا در حکومت به صورت مادام‌العمر با توجه به دگرگونی‌های اخیر، می‌تواند به سقوط کامل نظام بینجامد. به همین دلیل به نظر می‌رسد رؤسای جمهور عرب که به فکر بقا و یا وراثتی کردن جمهوری‌های خود بودند، با اتخاذ رویکردهای واقع‌گرایانه‌تر به سمت دگرگونی خودخواسته پیش رفته تا با دگرگونی‌های غیرقابل پیش‌بینی مواجه نشوند (معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، ۱۳۹۰).

بدین ترتیب آینده خاورمیانه در یک تا دو دهه آینده بسیار دموکراتیک‌تر از وضعیت کنونی خواهد بود. نکته حائز اهمیت این که در شرایط جدید مردم‌سالاری در خاورمیانه، اسلام‌خواهی که توسط رهبران به حاشیه رانده شده بود، قوت خواهد گرفت و به متن خواهد آمد. هر چند در حال حاضر به دلیل جریان شتابان تحولات نمی‌توان سیر آینده را به وضوح دید، اما به نظر می‌رسد حرکت کشورهای خاورمیانه به سمت مردم‌سالاری آغاز شده و آینده منطقه آینده‌ای دموکراتیک‌تر خواهد بود.

#### د) کنار رفتن افراط‌گری

از جمله پیامدهای دیگر دگرگونی‌های اخیر، تضعیف گروه‌های افراطی چون القاعده می‌باشد. این سازمان‌ها اغلب با دستمایه قرار دادن فساد و ناکارآمدی حکومت‌های محلی، به عضوگیری می‌پردازند و از جمله اهداف اعلامی آن‌ها ساقط کردن رژیم‌های دیکتاتوری و فاسد بوده است. با دموکراتیک‌تر شدن فضای سیاسی در کشورهای خاورمیانه، شعارهای این گروه‌ها و سازمان‌ها که تاکنون موجب تخریب و کشتارهای گسترده در منطقه شده‌اند محبوبیت خود را در بین ملت‌های منطقه از دست خواهد داد.

#### آمریکا و تحولات مصر

در رویکرد آمریکا به تحولات اخیر منطقه و مصر، نوعی ابهام و سردرگمی استراتژیک قابل مشاهده است و بسیاری از دیدگاه‌ها و رفتارهای آمریکا در خصوص تحولات جدید منطقه را می‌توان در این قالب تبیین نمود (دویچه وله، ۳ تیر ۱۳۹۰). با نزدیک شدن به روزهای پایانی سقوط مبارک آمریکا با کنار رفتن مبارک موافقت کرد و آن را رسماً اعلام نمود. این اظهارنظر با واکنش مقامات رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای منطقه روبه‌رو شد (Al Jazeera, 31 Jan 2011).

همان‌طور که ذکر شد، مصر در قضیه مناقشات اعراب و اسرائیل برای آمریکا خیلی مهم است. همچنین کمک‌های سالانه نظامی آمریکا به مصر بعد از معاهده صلح، ارتش این کشور را به عنوان منبع نفوذی برای آمریکا تبدیل کرده است. بنابراین، به نظر می‌رسد روابط آمریکا و مصر با روابط مصر و اسرائیل گره خورده است و تابعی از آن می‌باشد. اما بدون شک بعد از عبور مصر از دوران گذار، روابط مصر و آمریکا مانند سابق نخواهد بود و مصری‌ها سعی خواهند کرد منافع ملی خود را در این روابط بیشتر در نظر بگیرند (Zarpli, 2011).

#### رژیم صهیونیستی و آینده روابط با مصر

شاید بتوان گفت رژیم صهیونیستی بیشترین تأثیر را از تحولات مصر در حال و آینده خواهد گرفت. مصر و اسرائیل از زمان امضای صلح در سال ۱۹۷۹ تا امروز، روابطشان راهبردی بوده است. مبارک یک متحد خوب برای اسرائیل بود. اما با انقلاب مصر پایه‌های امنیت اسرائیل در خاورمیانه سست شده است. این رژیم به شدت نگران آینده مصر است و از همان اول نسبت به تحولات مصر با نگرانی واکنش نشان داد. نتانیاهو

نخست‌وزیر اسرائیل در یک کنفرانس مشترک با همتای آلمانی خود مرکل عنوان کرده بود که از تبدیل مصر به یک ایران اسلامی دیگر به شدت نگران است. روزنامه اسرائیلی هاآرتص نیز ضمن انتقاد از آمریکا که در روزهای آخر از مبارک حمایت نکرد، تأکید کرد که اسرائیل در روزهای آخر حکومت مبارک برای حفظ ثبات در مصر انتقادات خود از مبارک را محدود کرده بود. هاآرتص همچنین گزارش داده بود که وزارت خارجه اسرائیل تمام سفرای خود را از کشورهای منطقه برای تصمیم‌گیری در مورد تحولات مصر و سناریوهای احتمالی آینده این کشور فراخوانده است. تظاهرات مصر رژیم صهیونیستی را به شدت به وحشت انداخته و مقامات نظامی این رژیم طی برگزاری جلسات بسیار طولانی راهبردهای کلی خود را برای آینده مصر بررسی می‌کنند (بیدالله‌خانی و احمدی، ۱۳۹۱: ۵۶) به گفته کارشناسان اسرائیلی، مهم‌ترین تهدید برای آینده روابط مصر و اسرائیل و معاهده صلح به قدرت رسیدن اخوان‌المسلمین و یا حاکم‌شدن نگرش‌های آنان در دستگاه سیاست خارجی مصر خواهد بود (Al Jazeera, 31 Jan 2011). ایهود باراک وزیر دفاع اسرائیل نیز در سخنانی گفته: ما برای بدترین وضعیت آماده می‌شویم. همچنین وی اظهار داشته است که اسرائیل باید برای ارتقای بلندمدت امنیت خود در منطقه برای اولین بار بعد از دهه ۷۰ دست به کار شود. ارتقای توان دفاعی اسرائیل به گفته باراک، باعث افزایش هزینه‌های نظامی آن بعد از تحولات مصر شده است. این در حالی است که اسرائیل تا اواسط دهه ۷۰ هر ساله توان دفاعی خود را افزایش می‌داد اما از اواسط دهه ۷۰ به دلیل پیمان صلح با مصر و آرام‌تر شدن اوضاع هزینه‌های دفاعی خود را از ۲۳٪ تولید ناخالص ملی خود به حدود ۹٪ کاهش داد.

بن‌آلوف تحلیل‌گر هاآرتص در این روزنامه نوشته است، فروپاشی دولت حسنی مبارک، اسرائیل را در یک پریشانی استراتژیک قرار داده است. بدون مبارک، اسرائیل تقریباً در خاورمیانه تنها می‌شود و دیگر هیچ دوستی نخواهد داشت، چرا که در سال گذشته اسرائیل شاهد فروپاشی اتحاد خود با ترکیه بود. از حالا به بعد برای اسرائیل روابط با مصر و جلب اعتماد این کشور که توسط منازعات داخلی به چند جریان تقسیم شده است، سخت خواهد بود. افزایش انزوای اسرائیل در منطقه با تضعیف ایالات متحده همراه است و این دولت مجبور است به دنبال متحدان بالقوه جدید در منطقه باشد. با این همه صلح سرد با مصر، مهم‌ترین اتحاد استراتژیک اسرائیل در خاورمیانه خواهد بود. سرمقاله اورشلیم‌پست، در این زمینه نوشته است که عملاً ما نمی‌توانیم به این دلخوش باشیم که جبهه مصر به مرور زمان آرام خواهد شد و سیاست ما و مصر دوباره به مثابه گذشته انعطاف‌پذیر خواهد شد. در مورد مصر وجود گروه‌های اسلام‌گرای

قدرتمند بازی را پیچیده‌تر خواهد کرد. همچنین وجود زرادخانه‌ای که اسرائیل در مرز با مصر دارد، یک تهدید استراتژیک محسوب می‌شود. بن‌آلوف با شباهت ایران و مصر، باراک اوباما را با جیمی کارتر رئیس جمهور سابق آمریکا مقایسه می‌کند که سیاست‌هایش در آن زمان منجر به انقلاب ۱۹۷۹ ایران شد. وی اشاره می‌کند که کارتر ایران را که یک متحد استراتژیک برای آمریکا بود، از دست داد و از آن یک جمهوری انقلابی ساخت. باراک اوباما نیز با حمایت از سقوط مبارک دارد این مسیر را پیش می‌گیرد. وی اشاره می‌کند که اوباما به عنوان رئیس جمهوری شناخته خواهد شد که در طول تصدی خود شرکای مهم آمریکا مانند، ترکیه، لبنان و مصر را از دست داد و اتحاد آمریکا در خاورمیانه فرو پاشید (Al Jazeera, 31 Jan 2011).

همچنین، در نظرسنجی که مؤسسه بین‌المللی زاگی در سال ۲۰۱۰ انجام داد ۹۰٪ مردم مصر، از اسرائیل به عنوان یکی از دو کشوری که بزرگ‌ترین تهدید برای آن‌ها محسوب می‌شود نام برده‌اند. در طرف دیگر، اکثر مردم یهودی در اسرائیل معتقدند اگر انقلاب مصر، مانند انقلاب ایران باعث به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان و تشکیل جمهوری اسلامی دیگری بشود، این اتفاق به پیمان صلح ضربه خواهد زد. طبق نظرسنجی که مؤسسه دموکراسی اسرائیل در دانشگاه تل‌آویو انجام داده ۷۰٪ از پاسخ‌دهندگان یهودی شانس ظهور یک رژیم دموکراتیک را در مصر پایین می‌دانند. علاوه بر این ۴۹٪ فکر می‌کنند انقلاب بر توافق‌نامه صلح تأثیر منفی خواهد گذاشت. باتوجه به نقش افکار عمومی در آینده مصر، گیدون لوی در روزنامه هآرتس استدلال می‌کند که توده مردم مصر هیچ‌گاه خواهان اتحاد با اسرائیل نبودند.

در اوایل انقلاب مصر نیز گروه اخوان‌المسلمین با ارائه طرحی خواهان برگزاری همه‌پرسی برای سنجیدن نظر مردم در مورد روابط با اسرائیل و قضیه فلسطین بودند. مردم و گروه‌های سیاسی نیز در زمان انقلاب در متهم کردن مبارک و موقعیتش در اتحاد و نزدیکی با اسرائیل و آینده فلسطین به اخوان‌المسلمین پیوستند (Ikfal, 2011). تمام این شواهد و گفته‌ها نشان می‌دهد که اسرائیل شدیدترین ترس و نگرانی را در بین کشورهای منطقه از تحولات مصر دارد و بدون شک در آینده شاهد تنش‌های بیشتری بین مصر و اسرائیل تا آرام شدن اوضاع در مصر و بازگشت به روال عادی خواهیم بود.

### تحولات مصر و تغییرالگوی نظم امنیتی-سیاسی منطقه

گسترش تحولات سیاسی و تغییر نظام‌های حکومتی در برخی کشورهای عربی توازن قدرت در منطقه را بیش از پیش دستخوش دگرگونی‌های غیرمنتظره‌ای خواهد کرد.



تحولات در کشورهای عربی و در پی آن سقوط یا تضعیف حکومت‌های اقتدارگرا توازن امنیتی در منطقه را بر هم خواهد زد. یکی از رویکردهای مهم به تحولات مصر، نگاه به این تحولات از دیدگاه منطقه‌ای و تأثیر تحولات اخیر بر نظم امنیتی منطقه‌ای موجود است. در این راستا دیدگاه‌های کاملاً خوش‌بینانه نیز به در معرض خطر بودن نظم سنتی منطقه اعتراف دارند. اما دیدگاه‌های بدبینانه معتقدند که نظم منطقه‌ای در مرز نابودی است. بر این اساس، تحولات مختلف منطقه‌ای مانند مصر، بحران در لبنان، جدایی جنوب سودان و حتی تحولات عراق و سوریه و انتقادات و اعتراضات گروه‌هایی به شرایط این کشور، همگی با تغییرات نظم منطقه‌ای در پیوند قرار می‌گیرند. از دیدگاه فوق، جهان عرب در حال سپری کردن تغییرات ساختاری است. جهان در حال فهم و احساس نیرویی در منطقه است که ساختارهای سنتی را تحمل نمی‌کند و ساختارهای سنتی نیز تاب مقاومت در برابر این نیروی جدید را ندارند. تحولات مصر و سایر کشورهای منطقه‌حاکمی از آن است که فاصله و جدایی بین حکام و مردم منطقه، بیش از هر زمان دیگری در طول تاریخ است. فاصله‌ای که تداوم آن غیرممکن به نظر می‌رسد و تغییراتی در نظم سیاسی و نظریه دولت در منطقه، در حال وقوع است. همچنین، در این تغییر نظم منطقه‌ای انقلاب مصر تأثیرات تئوریک و ژئوپلیتیک زیادی می‌گذارد. علاوه بر آن، مصر بعد از گذشت سه دهه دوباره می‌تواند مستقل پا به عرصه همکاری‌های منطقه‌ای نوین گذاشته و به بازیابی و بازسازی قدرت خود بپردازد. به نظر می‌رسد ائتلاف‌های نوین منطقه‌ای با ایران و ترکیه می‌تواند علاوه بر بازسازی قدرت مصر در منطقه خاورمیانه، چشم‌انداز جدیدی از نظم و امنیت را در منطقه ایجاد کند (Ibrahim, 2011).

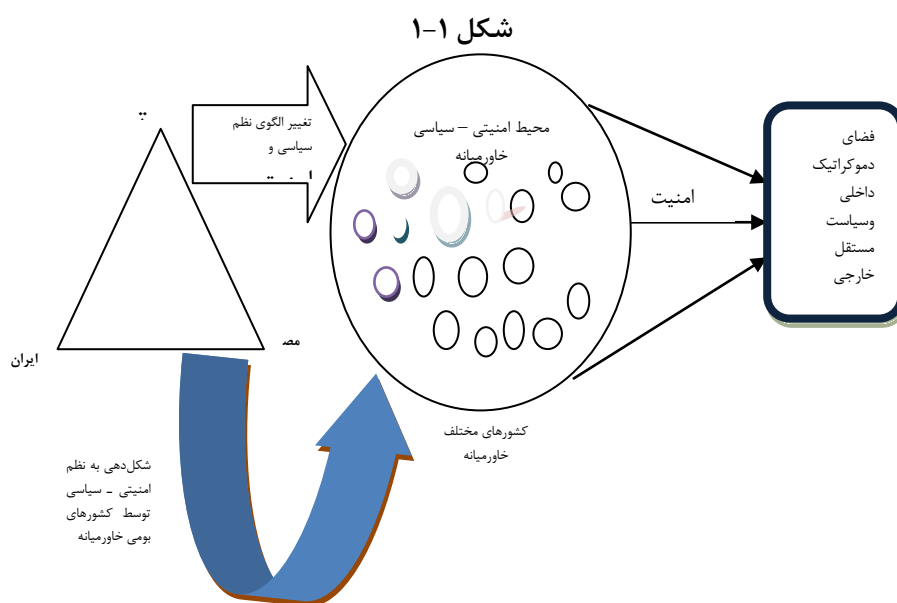
ایران و مصر بعد از یک وقفه زمانی زیاد در قطع روابط هم‌اکنون گزینه‌های زیادی را در اختیار دارند که همراه با ترکیه بتوانند مثلث قدرت در خاورمیانه باشند اعضای این مثلث می‌توانند مقتضیات محیط امنیتی و نظم آن را که مطابق منافع آمریکا و کشورهای غربی چیده شده تغییر دهند (Ibrahim, 2011). بدون شک یک محیط امن بومی‌شده سیاسی در خاورمیانه کشورهای منطقه را در یک حفاظ مطمئن و دموکراتیک به سمت یک دموکراسی بومی و منطقه‌ای پیش خواهد برد.

الگوی محیط امنیتی در خاورمیانه قبل از تحولات جهان عرب، تک‌روی هر کشور براساس منافع خود و براساس الگوی تعاملی غرب و آمریکا بود. دیکتاتورهای هر کشور براساس منافع خود و حفظ وضع موجود، محیط امنیتی پیرامونی خود را درست می‌کردند. در این میان کشور مصر، با توجه به پیمان صلح ۱۹۷۹ و کمک‌های آمریکا، خود را به نوعی نسبت به امنیت اسرائیل متعهد کرده بود (Gazit, 2009: 69-75). روابط

دوستانه مبارک با اسرائیل و تشکیل محیط امنیتی پیرامون اسرائیل از طرف مصر و همکاری با این رژیم در مواقع گوناگون در مناقشات اعراب و اسرائیل و حتی تحت فشار قرار دادن و محاصره غزه از اقداماتی بود که مصر در قبال اسرائیل انجام داد. قدرت محدود شده مصر در فضای امنیتی پیرامونی به خاطر صلح با اسرائیل و همچنین کمک‌های آمریکا، فضای سیاست خارجی مصر و حیطه امنیتی-سیاسی آن را محدود کرده بود و همکاری و تشکیل فضای امنیتی و نظم حاصل از آن با هر کشوری در منطقه باید براساس منافع آمریکا و اسرائیل تعریف می‌شد. بعد از تحولات مصر این الگو تغییر کرده است. فروپاشی نظام مبارک، فضای سیاست داخلی و خارجی را دوباره به روی افکار عمومی باز کرده است. بن‌میر تحلیل‌گر روزنامه دیلی نیوز در مصر، اشاره می‌کند که مصر در آینده خواهان تجدیدنظر در روابط با اسرائیل خواهد بود و بدون شک این تجدید روابط از سمت دیگر موجب نزدیک‌تر شدن مصر به کشورهای منطقه از جمله ایران، ترکیه و سوریه خواهد بود. همچنین وی با اشاره به این که در آینده افکار عمومی بیدار شده مصر خواهان ایفای نقشی فعال‌تر در ساخت سیاست خارجی و داخلی مصر خواهند بود، بر این نکته تأکید می‌کند که این افکار عمومی خواهان تجدیدنظر در سیاست خارجی و برعهده گرفتن نقشی فعال‌تر از طرف مصر در منطقه خواهند بود و این عامل باعث نزدیک شدن مصر به کشورهای خاورمیانه و همسایه خواهد شد (Ben-meir, 2011).

بدین صورت مصر می‌تواند ضمن ساختن سیاست داخلی براساس افکار عمومی در سیاست خارجی هم آن افکار را مد نظر قرار دهد. بدون شک مصر در سیاست خارجی خود در آینده به سمت منافع ملی بیشتر پیش خواهد رفت و این مستلزم تغییر سیاست‌های گذشته خواهد بود. یکی از گزینه‌های احتمالی نظم جایگزین امنیتی نزدیک شدن مصر به ایران و ترکیه خواهد بود. به این منظور مصر به احتمال فراوان، سیاست‌های خود را نسبت به گذشته در قبال اسرائیل و مناقشات اعراب و فلسطین تغییر خواهد داد. در واقع تشکیل محیط امنیتی آینده در خاورمیانه با همکاری ایران، ترکیه و مصر می‌تواند از دخالت قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا در منطقه خاورمیانه بکاهد. روابط مصر با ایران بعد از مبارک وارد افق‌های جدیدی خواهد شد و هر یک از طرفین گام‌هایی در این زمینه برداشته‌اند. روابط این دو می‌تواند متغیرهای امنیت سیاسی را در خاورمیانه بومی کند. یک مصر دموکراتیک همراه با ترکیه و ایران می‌تواند الگوی محیط امنیتی و سیاسی خاورمیانه را براساس منافع کشورهای منطقه دوباره طرح‌ریزی کنند. کما این که در جریان تحولات جهان عرب، ایران و ترکیه نقش بارزی در شکل‌دهی به سیستم نوین دارند. ایران خاستگاه بیداری اسلامی است و در

کنار آن ترکیه نیز مدل سیاسی موفق پیاده کرده و از گذشته و حتی دوران مبارک الگوی مطلوب بزرگ‌ترین تشکل اسلامی مصر (اخوان المسلمین) بوده است. سفر رئیس‌جمهور ترکیه به مصر و دیدار با مقامات مختلف سیاسی و مذهبی و همچنین راهپیمایی بخشی از مردم ترکیه در اعتراض به سرکوب مردم مصر و بیانیه‌های آن‌ها در حمایت از مردم مصر، نشان‌گر تأثیر و محبوبیت مصر در ترکیه می‌باشد (اسدی، گزارش راهبردی، ۱۳۹۰). همچنین تأثیر معنوی انقلاب اسلامی ایران را به دور از هرگونه بحث ایدئولوژیک نباید از نظر دور داشت. چرا که گفتمان استقلال‌طلبی و نفی استبداد انقلاب اسلامی ایران بارها از زبان رهبران مخالف از جمله رهبران اخوان المسلمین شنیده شده است. با تمام اینها الگوی جدید نظم منطقه‌ای و امنیتی نوین با همکاری مثلث ایران، ترکیه و مصر می‌تواند سبب افزایش ضریب امنیت خاورمیانه و حرکت کشورهای این منطقه در یک فضای بومی به سمت دموکراسی باشد. شکل ۱-۱ سیر این فرآیند را نشان می‌دهد.



**نقش ایران در تحولات منطقه و تغییر الگوی نظم امنیتی در خاورمیانه**  
 ایران بعد از انقلاب اسلامی به مرور زمان نقش از دست رفته خود را در تحولات خاورمیانه بازیابی کرده است. با سقوط صدام، نفوذ ایران هم در سطح دولتی و هم

غیردولتی جهان عرب افزایش یافت. نفوذ ایران در کشورهای مختلف خاورمیانه از عراق گرفته تا کشورهای شمال آفریقا باعث شد که کشورهای غربی با همکاری برخی کشورهای عربی به سرکردگی عربستان در تحولات خاورمیانه به ایران فشار بیاورند و این کشور را متهم به دخالت در امور داخلی دیگر کشورهای درگیر تحولات جهان عرب کنند. این فشار خود حاکی از تأثیرگذاری ایران بر تحولات جهان عرب می‌باشد (قهرمان‌پور، ۱۳۸۶: ۱۱۱-۱۱۰).

تحولات جهان عرب ضمن اینکه نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران را افزایش داده است، به همان اندازه بر حساسیت کشورهای منطقه از اهداف حضور ایران در این تحولات، افزوده است. یک دیپلماسی فعال باید به گونه‌ای تنظیم شود که شائبه هرگونه دخالت در مسائل داخلی کشورهای منطقه که می‌تواند منجر به تیرگی روابط در سطح دولت‌ها و همچنین جریحه‌دار شدن احساسات ملی و مردمی در این کشورها شود را رفع کند. در این میان متهم کردن ایران بر دخالت در امور بحرین، سوریه و یا مصر و دیگر کشورها فراگیرتر بود. با وجود این، ایران از شروع تحولات خاورمیانه نقش خود را بر دفاع از مطالبات مردم معترض در کشورهای عربی قرار داده و همین باعث واکنش اعراب به سرکردگی عربستان سعودی شده است.

در واقع تحولات جهان عرب، هم از بُعد "منافع" و هم از بُعد "ارزش‌ها"،<sup>۲</sup> برای ایران حائز اهمیت است. از لحاظ منافع، مسائل عمدتاً بر محور جابجایی حکومت‌ها و تأثیرات آن بر روابط دوجانبه و ثبات منطقه‌ای، معادلات مربوط به توازن قدرت و نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و به‌طور کلی منافع اقتصادی و سیاسی قرار دارد. از لحاظ ارزش‌ها هم این تحولات به لحاظ پیروی از شعارهای انقلاب اسلامی، عمدتاً بر محور حمایت از جنبش‌های مردمی، مبارزه با نقش بیگانگان در منطقه و تحقق "وحدت اسلامی"، حائز اهمیت است. از آغاز بروز این تحولات، تلاش اصلی سیاست خارجی ایران، چگونگی برقراری تعادل بین تأمین "منافع" و پیگیری خواسته‌های "ارزشی" بوده است (برزگر، ۱۳۹۰).

ایران خواهان تقویت روابط با حکومت آینده مصر، اعم از حکومت ملی یا اسلام‌گرا است. مهم‌ترین مسئله برای ایران، خروج مصر از رهبری ائتلاف ضد ایرانی در جهان عرب است. بی‌تردید توسعه روابط ایران با یک مصر قدرتمند، تأثیرات زیادی بر معادلات سیاسی-امنیتی منطقه‌ای به نفع ایران خواهد داشت.

---

1. interests  
2. values

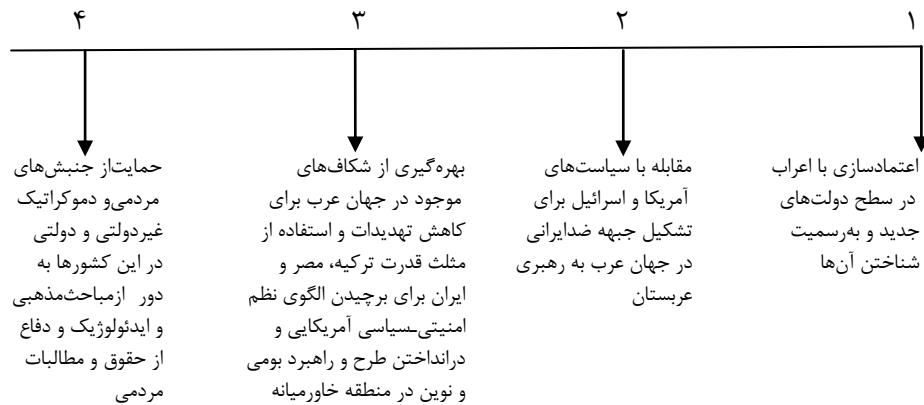
تقویت روابط دوجانبه با مصر، به نوع نگاه حکومت آینده آن کشور به نقش منطقه‌ای ایران بستگی دارد. بی‌تردید برای حکومت جدید مصر، برقراری روابط متعادل و نزدیک با ایران، یعنی یکی از قدرتمندترین کشورهای غیرعرب منطقه و مهم‌ترین بازیگر حوزه خلیج فارس، از لحاظ توازن قدرت منطقه‌ای و معادلات جهانی حائز اهمیت زیادی است. این تحول می‌تواند موضع مصر را در روابط با رژیم اسرائیل، در دو جهت روند صلح اعراب و اسرائیل و خلع سلاح عمومی هسته‌ای در خاورمیانه تقویت کند (برزگر، ۱۳۹۰).

به نظر می‌رسد که دوران اتحاد کشورهای مصر، اردن و عربستان سعودی در زمینه همکاری با آمریکا و اسرائیل به پایان خود نزدیک می‌شود. اتحاد این سه کشور عربی تاکنون یکی از محورهای مهم ثبات امنیتی در منطقه بوده است. اجازه مصر به عبور دو کشتی جنگی ایرانی از تنگه سوئز نشانه خوبی برای مناسبات آتی مصر با اسرائیل نیست. این نخستین بار پس از انقلاب بهمن در سال ۱۳۵۷ است که ناوهای جنگی ایران اجازه عبور از کانال سوئز را می‌یابند.

یکی از مشاوران باراک اوباما در روزنامه "نیویورک تایمز" بر این عقیده است که ایران "برنده بزرگ" رویدادهای اخیر در منطقه است. سوریه به عنوان متحد ایران در سیاست خود راسخ‌تر شده و کشورهای قطر و عمان نیز خود را به ایران نزدیک‌تر می‌کنند. به گفته "فلینت لورت" و "هیلاری من لورت"، اعضای پیشین شورای امنیت ملی آمریکا، موازنه قدرت در منطقه به ضرر آمریکا و به سود ایران بر هم خورده است (دویچه وله، ۱۵ می ۲۰۱۱).

اما باید دید که جمهوری اسلامی ایران چگونه با این وضعیت روبه‌رو می‌شود. تقویت قدرت ایران در جهان عرب باعث نزدیکی دولت‌های آن‌ها به آمریکا و حتی اسرائیل جهت مهار قدرت روزافزون ایران شده است. از همین‌رو راهبرد ایران در قبال شرایط جدید جهان عرب باید بهره‌گیری از فرصت پیش آمده و به حداقل رسانیدن تهدیدات باشد (قهرمان‌پور، ۱۳۸۶: ۱۱۰). در این میان ایران می‌تواند یک راهبرد چهارگانه را در قبال تحولات جهان عرب بر عهده بگیرد تا بدین طریق با استفاده از فرصت‌های موجود و به حداقل رساندن تهدیدها نظم مطلوب خود را در منطقه خاورمیانه با همکاری ترکیه و مصر طراحی کند. این راهبرد چهار گانه به صورت زیر می‌باشد.

### راهبرد ایران در قبال تحولات جهان عرب



ایران با اجرای درست این چهار راهبرد در تحولات جهان عرب می‌تواند در جهان اسلام هم به عنوان یک الگوی سیاسی و هم به عنوان یک الگوی اسلامی و وحدت‌طلب مطرح باشد و نقش اصلی و نه حاشیه‌ای و نظاره‌گر را ایفا کند و بدین طریق می‌تواند اقدامات مشترک آمریکا و اسرائیل با مشارکت عربستان را خنثی کند. ستون‌های چهارگانه راهبرد ایران در برابر اعراب باید با هم دیگر ارتباط نزدیک داشته و یکدیگر را تقویت کنند. با در پیش گرفتن این راهبرد، ایران می‌تواند با همکاری دو ضلع دیگر مثلث قدرت جدید در خاورمیانه، یعنی ترکیه و مصر شکل‌دهنده نظمی نوین در خاورمیانه و محیط امنیتی-سیاسی جدید براساس الگوی خاورمیانه‌ای و بومی کشورهای مسلمان باشد.

### نتیجه‌گیری

جهان عرب بعد از جنبش‌های اخیر خاورمیانه دچار تحولات درونی و بیرونی اساسی شده است. این تحولات غرب و در رأس آن‌ها آمریکا را دچار یک پریشانی راهبردی کرده و آمریکایی‌ها اذعان کردند که در برخورد با تحولات جهان عرب یک راهبرد مشخص ندارند. جهان عرب به دلایل مختلفی، طی دو دهه گذشته شکاف‌ها و اختلافات فراوانی را شاهد بوده است. اختلاف بر سر منافع دولت‌ها و طبقات و قبایل حاکمه است. قدرت گرفتن نیروهای ملی و اسلام‌گرا در جهان عرب این اختلافات را تشدید کرده است.

همان‌طور که توضیح داده شد، جهان عرب بعد از پشت سر گذاشتن بحران‌های متعدد هنوز شکل اساسی و بنیادی یک دولت-ملت را پیدا نکرده و تضاد اساسی در این کشورها همیشه بین دولت و ملت بوده است. همچنین اختلافات اساسی و عمیق اعراب با یکدیگر اصلی‌ترین عاملی بوده که باعث شده تا جهان عرب در یک زمان شاهد همزیستی قطب‌های قدرت با یکدیگر نباشد و غرب هم از این فضا سوءاستفاده کرده و طبق منافع خود محیط سیاسی و امنیتی اعراب را شکل داده است.

ناتوانی قدرت‌های مؤثر جهان عرب در همزیستی و همراهی با یکدیگر، باعث شده تا مقابله با اعراب از سوی قدرت‌های خارجی و پیرامون غیرعربی چندان مشکل نباشد. با این حال در روندهای کنونی به نظر می‌رسد عربستان درصدد تبدیل شدن به قدرت اصلی جهان عرب می‌باشد، ولی مصر و عراق موافق این امر نیستند. مصر با توجه به جایگاه جهانی و منطقه‌ای خود همیشه یکی از مدعیان رهبری بر جهان عرب بوده است. بعد از مبارک دوباره این فکر در بین نخبگان و افکار عمومی رشد کرده که مصر باید به جایگاه رهبری خود در جهان عرب برگردد. در این میان اتحاد با کشورهای قدرتمند جهان اسلام مانند ترکیه و ایران می‌تواند مصر را به جایگاه اصلی‌اش بازگرداند. در حال حاضر برای مصر بهترین راه همکاری و اتحاد با ایران و ترکیه برای رسیدن به جایگاه قبلی، با در نظر گرفتن منافع ملی است، چرا که مصر پس از مبارک بدون شک تفاوت‌هایی اساسی در سیاست داخلی و خارجی و متحدان منطقه‌ای خواهد داشت و احتمالاً این تفاوت می‌تواند با روابط دوستانه با ایران و ترکیه آغاز شود.

اما چالش اساسی جهان عرب بعد از تحولات و انقلاب‌های اخیر نظام‌های سیاسی آن‌ها و یافتن گزینه‌های مناسب برای این نظام‌ها می‌باشد. چرا که تا قبل از این دموکراسی و انتخابات آزاد در جهان عرب امری بیگانه بوده و نظام‌های سیاسی اقتدارگرا با تمام قدرت در برابر هر نوع تغییری که منجر به تضعیف امنیت و بقای آن‌ها می‌شد مقاومت می‌کردند. این چالش و آشنا نبودن اعراب با دموکراسی ممکن است مشکلاتی از نوع روی کار آمدن یک نظام پوپولیستی را برای آن‌ها به ارمغان بیاورد.

همچنین معضل امنیت ملی یا امنیت سیاسی همچنان یک مشکل عمده برای اعراب می‌باشد، چرا که آن‌ها تا قبل از این به جز چند کشور مثل مصر، عراق و سوریه، بقیه قادر به تأمین امنیت سیاسی خود نبودند. لذا از منظر رئالیستی بخش عمده دولت‌های عرب فاقد ویژگی‌های ضروری یک بازیگر مستقل در عرصه سیاست بین‌المللی می‌باشند.

معضل امنیت سیاسی در جهان عرب باعث بروز یک وضعیت متناقض‌نما شده بود. از یک طرف دولت‌های دیکتاتور عرب می‌کوشیدند استقلال خود را در

تصمیم‌گیری‌های سیاسی افزایش دهند و از طرف دیگر وابستگی آن‌ها به تعهدات دولت‌های خارجی و معامله با آن‌ها بر سر نظام سیاسی استقلال آن‌ها را محدود کرده بود. اما بدون شک هر کشوری که در راه دموکراسی قدم می‌گذارد آزادی‌های دموکراتیک و مدنی را گسترش می‌دهد.

گسترش این آزادی‌ها باعث فشار افکار عمومی به‌عنوان نیروی محرکه بهبود دامنه و برد مطالبات آزادی‌خواهی مردم می‌شود. بدون شک کشورهای عربی با توجه به بنیان‌های اقتصادی و دیگر مؤلفه‌های فرهنگی شرایط گام‌گذاران در راه دموکراسی را خواهند داشت. جدول زیر شرایط اقتصادی و اجتماعی کشورهایی که جنبش اعتراضی در آن‌ها شکل گرفته را نشان می‌دهد.

کشور	رشد اقتصادی	نرخ تورم (درصد)	میزان جمعیت زیرخط فقر	اشتغال زنان (درصد)	میزان باسوادی (درصد)	بیکاری (درصد)	میزان شهرنشینی	سرانه تولید ناخالص (درصد)	جمعیت زیر ۳۰ سال (درصد)
مصر	۵/۳	۱۲/۸	۲۰	۲۳	۷۱/۴	۹/۷	۴۳/۴	۶۲۰۰	۵۳
تونس	۳/۴	۴/۵	۴	۲۶		۱۴	۶۷	۹۵۰۰	۴۵
بحرین	۳/۹	۳/۳	—	۳۲	۸۶/۵	۱۵	۸۹	۴۰۴۰۰	۳۹
یمن	۵/۲	۱۲/۲	۴۵/۲	۲۱	۵۰/۲	۳۵	۳۲	۲۶۰۰	۶۱
لیبی	۲/۳	۳	۳۳	۲۴	۸۶/۶	۳۰	۷۸	۱۳۸۰۰	۵۳
سوریه	۴	۵/۹	۱۱/۹	۲۱	۷۹/۶	۸/۳	۵۶	۴۸۰۰	۵۵

منبع: دفتر توسعه انسانی سازمان ملل سایت سی‌آی‌ای (SIE) سایت تریدینگ اکونامیک Trading Economic.com (2009)

جدول فوق نشان می‌دهد که اکثر کشورهایی که جنبش‌های اعتراضی در آن‌ها شکل گرفته، شرایط مناسب برای دموکراسی دارند، اما در عین حال با ریشه دواندن یک دموکراسی کامل فاصله دارند. مصر و تونس به‌طور نسبی از بخت بیشتری برای استقرار دموکراسی با توجه به سابقه و مبانی هویتی برخوردار هستند. یمن و لیبی هم با توجه به بافت قبیلگی بیشترین ریسک را برای شکل‌گیری نوع دیگری از نظام‌های سیاسی غیردموکراتیک و پوپولیست دارند. با این حساب با توجه به فرهنگ عربی، اسلامی حاکم بر این کشورها و تأثیرپذیری آن‌ها از یکدیگر، دموکراتیک‌تر شدن یک یا دو کشور مهم از جهان عرب مانند مصر و تونس می‌تواند باعث تأثیرگذاری بر دیگر کشورها و به تبع آن منجر به دموکراسی‌خواهی و اصلاحات در آن کشورها بشود (بیدالله‌خانی، ۱۳۹۰: ۷۹-۸۰).



با تمام این اوصاف به نظر می‌رسد هم‌اکنون خاورمیانه حرکت خود را به سمت یک دموکراسی بومی و طراحی یک الگوی جدید نظم امنیتی و سیاسی در خاورمیانه با محوریت مثلث ترکیه، مصر و ایران شروع کرده است. این الگو یک الگوی بومی و بدون دخالت قدرت‌های بزرگ در منطقه خاورمیانه خواهد بود و دست قدرت‌های خارجی را از منطقه کوتاه خواهد کرد و الگوی نظم امنیتی-سیاسی پیشین که براساس منافع غربی‌ها و دیکتاتورها برای منطقه خاورمیانه طراحی شده بود را تغییر خواهد داد.

## منابع

۱. اسدی، شایسته (۲۴ خرداد ۱۳۹۰)، تضاد منافع ایران و ترکیه در ماجرای سوریه، دسترسی در سایت اینترنتی دیپلماسی ایرانی، <http://irdiplomacy.ir/fa/news/58/bodyView/13739/a.D.html>
۲. اسدی، علی‌اکبر، تحولات سیاسی مصر: رویکردها و پیامدهای منطقه‌ای، گزارش راهبردی معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس، دسترسی در تاریخ ۴ اسفند ۱۳۸۹، سایت مرکز تحقیقات استراتژیک، [www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtId=06&&depId=44&seMid=2290](http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtId=06&&depId=44&seMid=2290)
۳. برزگر، کیهان، ایران و تحولات جهان عرب: منافع و ارزش‌ها، گزارش راهبردی، دسترسی در فروردین ۱۳۹۰، سایت مرکز تحقیقات: [www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtId=06&&depId=44&seMid=2310](http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtId=06&&depId=44&seMid=2310)
۴. بنساحل، نورا، بایمن، دانیل و دیگران (۱۳۸۶)، آینده محیط امنیتی در خاورمیانه: تغییر رهبری، اصلاحات اقتصادی و انقلاب اطلاعات، ترجمه: ناصر قبادزاده و دیگران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. بیانی، سعید (۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۰)، تحولات سوریه و تأثیر آن بر منافع کشورهای منطقه، دسترسی در سایت اینترنتی: [www.radiozamaneh.com/politics/2011/05/05/3782](http://www.radiozamaneh.com/politics/2011/05/05/3782)
۶. بیدالله‌خانی، آرش، احمدی، حمید (۱۳۹۱)، روابط مصر و اسرائیل؛ پیشینه چالش‌ها و چشم‌انداز آینده، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره دوم.
۷. بیدالله‌خانی، آرش (۱۳۹۰)، نقش هویت بومی-اسلامی در جنبش‌های اسلامی جدید جهان عرب، فصلنامه مطالعات میان‌فرهنگی، سال ششم، شماره ۱۶، زمستان.
۸. تحولات جهان عرب؛ کابوس عربستان، سایت اینترنتی بی بی سی فارسی، [www.bbc.co.uk/persian/world/2011/06/110622\\_an\\_saudi\\_arabia\\_middle\\_east.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/world/2011/06/110622_an_saudi_arabia_middle_east.shtml)
۹. حسینی‌فرد، حبیب (۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۰)، تونس: بیم و امیدهای دوران گذار، سایت اینترنتی بی بی سی فارسی، [www.bbc.co.uk/persian/world/2011/05/110518\\_an\\_tunisia.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/world/2011/05/110518_an_tunisia.shtml)

۱۰. حمیدی، محمدحسین (تابستان ۱۳۹۰)، ناآرامی در بحرین؛ درخواست اصلاحات یا انقلاب، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۸۴.
۱۱. دهشیار، حسین (بهار ۱۳۹۰)، بهار عرب: شورش بر مدرنیته وارداتی، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۸۳.
۱۲. دویچه وله (۱۵ می ۲۰۱۱)، بهره‌برداری ایران از تحولات جهان عرب، دسترسی در: [www.dw-world.de/dw/article/0,,6451059,00.html](http://www.dw-world.de/dw/article/0,,6451059,00.html)
۱۳. دویچه وله (۳ تیر ۱۳۹۰)، مشکل آمریکا در مواجهه با حرکت‌های اعتراضی جهان عرب، دسترسی در: [www.dw-world.de/dw/article/0,,6444847,00.html](http://www.dw-world.de/dw/article/0,,6444847,00.html)
۱۴. سجادی‌پور، سیدمحمدکاظم (۱۵ مرداد ۱۳۹۰)، آمریکا و تحولات سوریه؛ چرخش‌ها و چالش‌ها، سایت اینترنتی دیپلماسی ایران، <http://irdiplomacy.ir/fa/news/61/bodyView/14770/%D8%A7%D9%85%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D7.html>
۱۵. علایی، حسین (۱۶ فروردین ۱۳۹۰)، ماهیت تحولات سوریه از جنس انقلابات جهان عرب، سایت اینترنتی خبر آنلاین، [www.khabaronline.ir/news-141088.aspx](http://www.khabaronline.ir/news-141088.aspx)
۱۶. قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۸۶)، ایران و ژئوپلیتیک قدرت در جهان عرب، نامه دفاع ۱۴، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی-معاونت پژوهش.
۱۷. معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک، (۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۰)، تحولات خاورمیانه از تونس و مصر به لیبی، سایت مرکز تحقیقات: [www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abt=01&depid=44&semid=447](http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abt=01&depid=44&semid=447)
۱۸. معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک (۲۰ فروردین ۱۳۹۰)، پیامدهای داخلی و خارجی جنبش آزادی‌خواهی مصر، سایت مرکز تحقیقات: [www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abt=01&depid=44&semid=443](http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abt=01&depid=44&semid=443)
۱۹. معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک (فروردین ۱۳۹۰)، تحولات بحرین؛ ریشه‌ها و بازیگران، گزارش راهبردی، شماره ۳۵۴.
20. Adib-Moghaddam, Arshin (7 March 2011), Postmodern Islam and the Arab Revolts, linked accessed: <http://www.opendemocracy.net/arshin-adib-moghaddam/postmodern-islam-and-arab-revolts>
21. Al Jazeera and agencies (31 Jan 2011), Israel 'fears' post-Mubarak era, linked available at: <http://english.aljazeera.net/news/middleeast/2011/01/201113177145613.html>
22. Ben-meir, Alon (February 23, 2011), Egypt-Israel Bilateral Relations, 2011, Available at: [www.thedailynewsegypt.com/columnists/egypt-israel-bilateral-relations.html](http://www.thedailynewsegypt.com/columnists/egypt-israel-bilateral-relations.html)
23. El Shakry, Omnia (February 06, 2011), Egypt's Three Revolutions: The Force of History behind this Popular Uprising, available linked at: [www.jadaliyya.com/pages/index/569/egypts-three-revolutions\\_the-force-of-history-behi](http://www.jadaliyya.com/pages/index/569/egypts-three-revolutions_the-force-of-history-behi)

24. Faris, Nabih Amin and Mohammad Tawfik Husayn (2011), *The Crescent In Crisis: An Interpretive Study of the Modern Arab World*, Publisher: Literary Licensing, LLC
25. Friedman , George (March 22, 2011), *Libya and the Democracy Pretext*, available linked accessed at:  
[www.realclearworld.com/articles/2011/03/22/libya\\_the\\_west\\_and\\_the\\_narrative\\_of\\_democracy\\_99451.html](http://www.realclearworld.com/articles/2011/03/22/libya_the_west_and_the_narrative_of_democracy_99451.html)
26. Gazit, shlomo (June 2009), *Israel and Egypt: What Went Wrong? Strategic Assessment*, Vol. 12, No. 1, available at: [www.inss.org.il/upload/\(FILE\)1244445198.pdf](http://www.inss.org.il/upload/(FILE)1244445198.pdf)
27. Ibrahim, Nassar (28 March 2011), *Egypt's Revolution Will Determine the Arab Peoples' Revolution*, Alternative Information Center (AIC) , linked accessed available at:  
[www.alternativenews.org/english/index.php/blogs/nassar-ibrahim/3462-egypts-revolution-will-determine-the-arab-peoples-revolution](http://www.alternativenews.org/english/index.php/blogs/nassar-ibrahim/3462-egypts-revolution-will-determine-the-arab-peoples-revolution)
28. Ikfal Raharjo, Nur (18 March, 2011), *Israel-Egypt Relations in the Post-Mubarak Era*, Available, Sccessed, Friday.  
<http://www.politik.lipi.go.id/index.php/en/columns/politik-internasional/423-israel-egypt-relations-in-the-post-mubarak-era>
- Israeli defense minister: Relations between Israel, Egypt not at risk (February 13, 2011), By the CNN Wire Staff, available at linked [www.politik.lipi.go.id/index.php/en/columns/politik-internasional/423-israel-egypt-relations-in-the-post-mubarak-era](http://www.politik.lipi.go.id/index.php/en/columns/politik-internasional/423-israel-egypt-relations-in-the-post-mubarak-era)
- Israeli Defense Minister: Relations Between Israel, Egypt not at Risk (February 13, 2011), by the CNN Wire Staff, available at linked [Articles.cnn.com/2011-02-13/world/Egypt.isral\\_1\\_israel-and-egypt-muslim-brotherhood-hussein-tantawi?\\_s=PM:WORLD](http://Articles.cnn.com/2011-02-13/world/Egypt.isral_1_israel-and-egypt-muslim-brotherhood-hussein-tantawi?_s=PM:WORLD)
29. Ottaway, Marina and Amr Hamzawy (January 2011), *Protest Movements and Political Change in the Arab World*, Policy Outlook, Linked Accessed <http://carnegie-mec.org/publications/?fa=42394>
30. Panel Discusses the Spirit of the Egyptian Revolution and Methods to Keep it Alive,( June 28,2011), linked available at:  
[www.ikhwanweb.com/article.php?id=28767](http://www.ikhwanweb.com/article.php?id=28767)
31. Sutter, John d (February 21, 2011), *The Faces of Egypt's 'Revolution 2.0'*, accessed linked at:  
[www.cnn.com/2011/TECH/innovation/02/21/egypt.internet.revolution/index.html](http://www.cnn.com/2011/TECH/innovation/02/21/egypt.internet.revolution/index.html)
32. *The Security Agenda for A Changing Middle East* (July 29, 2011), linked available at:  
[www.stimson.org/spotlight/the-security-agenda-for-a-changing-middle-east/](http://www.stimson.org/spotlight/the-security-agenda-for-a-changing-middle-east/)
33. Zarpli, Omer (04 May 2011), *US-Egypt Relations after the Mubarak Government: What's Next?* Accessed available at:  
[www.bilgesam.org/en/index.php?option=com\\_content&view=article&id=353:us-egypt-relations-after-the-mubarak-government-whats-next&catid=77:ortadogu-analizler&Itemid=147](http://www.bilgesam.org/en/index.php?option=com_content&view=article&id=353:us-egypt-relations-after-the-mubarak-government-whats-next&catid=77:ortadogu-analizler&Itemid=147)